

### مواضع ریاکارانه آلمان علیه ایران

آلمانی‌ها این سال‌ها عادت کردند که به نقش منفی بازی کردن خود در سناریوی خصومت‌ورزی علیه ملت ایران ادامه دهند؛ گویی قانون نانوشته بین اروپایی‌ها وجود دارد که هر کشوری به‌خصوص ترونیکا در هر دوره‌ای گوی سبقت را در دشمنی با جمهوری اسلامی برباید و به اسم دفاع از ملت‌ها و حقوق بشر دست به اقداماتی بزنند که نتیجه آن جز اعمال فشار بر مردم ایران نیست. تازه‌ترین دستاورد این بازی فراخوان سفیر جمهوری اسلامی ایران در برلین به وزارت خارجه آلمان برای اعلام اعتراض مقامات این کشور به علت اعدام یکی از اغتشاشگران است. آلمانی که تا همین امروز هم درگیر شورش‌های خیابانی است و با خشونت با مردمی که در اعتراض به برخی از سیاست‌های دولت این کشور دست به تجمع زده‌اند برخورد می‌کند و طبعاً اگر از سوی دیگر کشورها مورد اعتراض قرار گیرد آن را دخالت در امور داخلی خود می‌داند. جمهوری اسلامی ایران و آلمان صرف نظر از خاطره تلخ دوران جنگ تحمیلی و حمایت آلمانی‌ها از عراق با فروش سلاح شیمیایی، سوابق و گذشته نسبتاً خوبی با هم دارند. این تعاملات علاوه بر حوزه‌های سیاسی، موضوعات فرهنگی و تجاری را هم دربر می‌گرفت اما به‌نظر می‌رسد که به یک‌باره این کشور اروپایی با ریاکاری قصد نادیده گرفتن این پیوندها را دارد؛ نکته‌ای که مورد تأکید حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه کشورمان هم قرار گرفت و او در صفحه شخصی خود نوشت: **آلمان قلمرو و امنیت خود را در این موارد خط قرمز می‌داند اما به روش ایزاری، این پدیده‌های ایران شوم را در ایران ترغیب کرده و مبارزه مشروع ما علیه آنها را ریاکارانه تقیح می‌کند.**



در همین زمینه محمدرضا مرشدزاده، کارشناس ارشد حوزه روابط بین‌الملل درباره چرایی این رفتار مقامات آلمانی به جام‌جم گفت: رویکرد‌هایی که کشورهای اروپایی به‌خصوص ترونیکا نسبت به جمهوری اسلامی در پیش گرفتند، ناشی از تقسیم کاری است که ازسوی آنها صورت می‌گیرد و این نقش هم به‌صورت مطلقاً از سوی انگلیس، فرانسه و آلمان به‌صورت دست به دست می‌چرخد.

#### فشار برای عقب‌نشینی ایران

وی ادامه داد: تصور دولت‌های اروپایی این است به‌واسطه مراودات تجاری، بازرگانی، اقتصادی و صنعتی که بین ما و این کشورها برقرار است، اعمال فشار بیشتر روی جمهوری اسلامی و اعلام تحریم می‌تواند ایران را برای عقب‌نشینی از مواضعش تحت‌تأثیر قرار دهد.

این کارشناس مسائل سیاست خارجی، اختلافات داخلی در آلمان و درگیر شدن دولت این کشور با اعتراضات مردمی را یکی دیگر از دلایل رفتار جدید مقامات این کشور دانست و تصریح کرد: با توجه به این‌که آلمانی‌ها از شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موجود رنج می‌برند و برای بیان اعتراضات خود دست به تجمع زده‌اند، طبعاً مقامات دولتی هم برای انحراف افکارعمومی در داخل و خارج از کشورشان و معطوف کردن آن به سمت مسائل ایران به فراقتگی روی آورده‌اند.

#### اقدامات دیپلماتیک پیش‌رو

سفیر پیشین ایران در دانمارک درباره نوع واکنش ایران درمورد چنین اقداماتی خاطرنشان کرد:در حوزه دیپلماتیک طبعاًیکی از راه‌ها، واکنش اعتراض‌آمیز در قالب انتشار بیانیه و همچنین احضار سفیر است اما در عین حال این امکان هم فراهم است که ما از طریق مجامع بین‌المللی اقدام کنیم و با طرح شکایت نسبت به چنین رویکرد‌هایی از سوی آلمان و دیگر کشورهای اروپایی، این رویه را به‌عنوان دخالت درامور داخلی دیگر کشورها مطرح کنیم.

#### بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماسی عمومی

مرشدزاده با بیان این‌که متأسفانه در حوزه دیپلماسی عمومی نتوانستیم از ظرفیت‌های موجود به نحو مطلوب بهره ببریم، گفت: برخی از سفارتخانه‌ها و سفیران ما در این حوزه فعالیت کمی دارند. این درحالی است که سفرا و نمایندگان دیپلماتیک ما هم می‌توانند از طریق رسانه و ارتباطات در کشورهای محل خدمت خود به تشریح سیاست‌های داخلی ایران و تبیین مواضع جمهوری اسلامی بپردازند و هم با شناخت و اشراف کافی نسبت به ساختار سیاسی آن کشورها با نهادهای سیاسی، احزاب، نمایندگان و اعضای پارلمان و مجموعه نخبگانی تعامل برقرار و آنها را نسبت به فضای داخلی ایران آگاه کنند. طبعاً بخشی از نیروهای سیاسی آن کشورها نسبت به سیاست‌های داخلی و خارجی دولت مستقر انتقادهایی دارند و با آنها در برخی از مسائل همسو نیستند. در چنین شرایطی استفاده از ظرفیت این گروه‌های سیاسی می‌تواند به روشن شدن افکار عمومی آن کشورها نسبت به ایران بسیار مؤثر باشد.

#### دیپلماسی

حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه کشورمان و ووپکه‌هوکسترا، وزیر خارجه هلند در گفت‌وگوی تلفنی، درخصوص موضوعات مورد علاقه تبادل نظر کردند. وزیر خارجه کشورمان با اشاره به پیشینه ۴۰۰ ساله روابط میان ایران و هلند بر ضرورت افزایش همکاری‌ها و گسترش روابط دوجانبه تأکید کرد. امیرعبداللهیان در ادامه از استانداردهای دوگانه کشورهای غربی در قبال موضوع حقوق بشر، زنان و

### عاملان ترور به عدالت سپرده می‌شوند

جنگ ترکیبی، صدور قطعنامه و اعمال تحریم‌های روزانه علیه ایران هم واشتگن را اقناع نکرده و حالا آمریکا و رژیم‌صهیونیستی به دنبال این هستند برای مقابله با ایران یک اتحاد منطقه‌ای همراه کشورهای عربی ایجاد کنند؛ مسأله‌ای که تاکنون موفقیت‌آمیز نبوده است. در این سمت ماجرا هم مکانیسم تحریم همچنان فعال است؛ مثلاً روز پنجشنبه آمریکا برای ادامه رویکرد سیاست فشار حداکثری علیه تهران ۲۶ شرکت و پنج فرد را به بهانه ارتباط با ایران تحریم کرد و وزارت خزانه‌داری آمریکا ادعا کرد شبکه‌ای را که با دور زدن تحریم‌های نفتی اعمال شده علیه ایران میلیون‌ها دلار درآمد برای نیروی قدس سپاه تولید می‌کرد، در فهرست سیاه قرار داده است. بر اساس ادعای وزارت خزانه‌داری آمریکا، شبکه یاد شده تحت رهبری تاجر ترکیه‌ای به نام سیتکی آیان فعالیت می‌کرده و قراردادهای بین‌المللی برای فروش نفت ایران به مشتریان خارجی، صادرات نفت ایران، پولشویی و تأمین منافع نفتی ایران و نیروی قدس ایجاد کرده بود.



مریم عاقلی  
آگرو سیاسی

از سال ۲۰۰۴ که دفتر تروریسم و اطلاعات مالی وزارت خزانه‌داری آمریکا به عنوان مرکز طراحی جنگ اقتصادی فعال شد در کنار این سیاست، راهبرد منطقه‌ای را هم برای فشار علیه ایران به صورت موازی ادامه داد.

بهار آمریکا هم که اتفاقات سه ماه اخیر در ایران است که سبب شده آنها به صورت روزانه یک تصمیم ضدایرانی بگیرند و دیوانه‌وار سیاست فشار حداکثری با همان رویکرد ترامیسم، را دنبال کنند. کمایی‌که به جز آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا، رابرت مالی نماینده ویژه این کشور در امور ایران هم با دخالت‌مسائل را مطرح کرد. «ایران هم با دخالت‌مسائل را مطرح کرد» در واقع دولت بایدن در کنار ترونیکای اروپایی از نقطه صفر حوادث داخلی ایران، حمایت از ناآرامی‌ها را در دستور کار رویتن و روزمره خود قرار داده و با ایجاد دیوار حمایتی برای جریان ضدامنیتی و ضد نظم عمومی به اسم معترضان،

اگر خاطرتان باشد اواخر دوره ترامپ، آمریکا سعی کرد یک جریان عبری-عربی موسوم به طرح آبراهام را علیه ایران فعال کند که اصطلاحاً این طرح گرفت. عینی‌ترین نماد شکست این طرح ذلت بار هم عادی‌سازی روابط اسرائیل و کشورهای عرب منطقه هدف اصلی آن بود که در جام جهانی فوتبال در قطر رخ داد و دیدیم مردم عادی فارغ از سیاست‌های دولت‌های خود چه نفرتی از اسرائیل دارند. سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا درواقع همان اسرائیل است، بنابراین پایه اول ائتلاف‌سازی علیه ایران، همین نفرت ملت‌ها از این دوررژیم است.

سیاست‌های آمریکا در منطقه مبتنی بر وادار کردن کشورهای عربی به قرابت رفتاری و تعاملی با رژیم اشغالگر قدس بوده اما تنها دو کشور بحرین و امارات تحت فشار آمریکا با رژیم صهیونیستی رابطه برقرار کردند اما آنچه در حاشیه جام جهانی بر سر خبرنگاران شبکه‌های رژیم صهیونیستی در دوحه آمد، به معنای پایان همگرایی کشورهای عربی با اسرائیل در روی زمین و در بستر حقیقت بود، چون در روند عادی‌سازی، دیپلماسی عمومی و نرم برای صهیونیست‌ها خیلی مهم‌تر از توافق با دولت‌هاست. پس تست این ائتلاف‌سازی در دیپلماسی ورزشی و فوتبالی هم شکست خورد.

شعرای مردم علیه صهیونیست‌ها و به‌ویژه رفتار مراکشی‌ها در بالا بردن پرچم فلسطین در زمین فوتبال درحالی است که دولت این کشور در کنار سه کشور عربی دیگر در نشست صحرای نقب در جنوب اسرائیل مذاکرات جدی و مهمی را با صهیونیست‌ها و آمریکا پیش برده بود اما حالا وضعیت‌طور دیگری شده و تحلیل اوضاع نشان می‌دهد که این‌گونه ائتلاف‌ها و سازش‌های اجباری بین کشورهای منطقه و رژیم صهیونیستی از روی اعتقاد کامل نیست، چون شرایط فرهنگی و اجتماعی در کشورهای منطقه به‌گونه‌ای است که آماده پذیرش صلح و رابطه با رژیم صهیونیستی نیستند.

دخالت‌های آمریکا در مسائل منطقه و پشتیبانی غیرمنصفانه آنها از رژیم صهیونیستی در سرکوب ملت فلسطین و حتی تلاش برای جلوگیری از صدور قطعنامه سازمان ملل علیه اسرائیل سبب شده ملت‌های منطقه، آمریکا را به عنوان یک کشور استعمارگر در منطقه شناسایی کنند تا نتوانند برای اقدام علیه ایران هم وارد ائتلاف‌سازی با این کشور شوند. نمونه این گزاره هم سفر رئیس جمهور چین به عربستان است که نشان داد این کشور به عنوان دوست و هم‌پیمان نزدیک آمریکا خیلی به واشنگتن اطمینان ندارد و به دنبال یادگیری جدید در منطقه و جهان است، بنابراین حتی ریاض هم به این کشور بدبین است و این روند یعنی آمریکا در منطقه تنها مانده و نمی‌تواند علیه کشورمان، ائتلاف منطقه‌ای ایجاد کند.

#### نگاه

روایت عباس سلیمی‌نمین از اغتشاشات ۸۰ روز اخیر

## فرصت طلبی جریان غربگرا

**از اتفاقات کوچک و بزرگ در کشورمان که از مبدأ اعتراضات شهریور ماه آغاز و به تروریسم آبان منج شد، بیشتر از ۸۰ روز گذشته است؛ جدا از ماهیت این اتفاقات، یک رویکرد مهم، رفتار جریان غربگرا در قبال اغتشاشات اخیر بود که سعی داشتند آن را به عنوان یک پروژه سیاسی دنبال کنند و با فعال‌کردن سازوکار فشار، درمصد گشایش‌های سیاسی برای جناح خودشان باشند؛ امری که در واقع بیشتر برنامه‌ریزی برای یک برنامه انتخاباتی است و نشان می‌دهد این جریان اساسا دغدغه‌ای برای مردم ندارد. تحلیل رفتارهای سیاسی جریان غربگرا دو گزاره تحلیلی از اقدامات آنها پس از اغتشاشات به ما می‌دهد. در چشم‌انداز اول جریان غربگرا امجدوار است حاکمیت با اغتشاشات اخیر به این نتیجه رسیده‌باشد که برای جلوگیری از موارد مشابه و مدیریت مطالبات جامعه، گروه‌های واسط و میانی تقویت شود. در این فضا آنها تصور می‌کنند عرصه برای حضور چهره‌های معتدل جریان‌شان فراهم و حتی یک فضای سیاسی فراجرتی در آینده برای‌شان به وجود می‌آید. مثلاً ماجرای تحریم انتخابات ۱۴۰۰ توسط اصلاح‌طلبان که از تر سعید حجاریان برای مشارکت مشروط آغاز شد، حال بعد از شش ماه و با بروز اغتشاشات اخیر رنگ دیگری گرفته و او ۱۷ مهرماه از ضرورت «وفادار ماندن به زمین سیاست» گفت. در چشم انداز دوم هم جریان غربگرا به دنبال احیای پایگاه اجتماعی خود است، به طوری که ظاهراً اغتشاشات اخیر آنها را به این نتیجه رسانده که می‌توانند با تکیه بر فشار اجتماعی، حاکمیت را با تهدید به تکرار این فشار، مجبور به عقب‌نشینی کنند. بنابراین شاید یکی از دلایلی که موجب شده بسیاری از فعالان این جریان با اعلام برائت نسبت به اغتشاشات اخیر خود‌داری کنند، این است که می‌خواهند این موضوع را تبدیل به یکی از مطالبات جریان غربگرا کنند. صدر تا ذیل این موضوع را در گفت‌وگو با عباس سلیمی‌نمین، مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران بررسی کرده‌ایم:**

مواضع مداخله‌جویانه‌انهادر قبال مسائل داخلی ایران انتقاد کرد و گفت: تلاش برای تحریک جوانان و زنان ایرانی از سوی برخی مقامات و محافل غربی و استفاده ابزاری از رسانه‌ها به این منظور، اقدامی غیرسازنده در عرصه دیپلماتیک بود که به گسترش خشونت‌ها و اقدامات تروریستی در ایران منجر شد.وی افزود: بی‌تردید اغتشاشگران، عاملان ترور و خشونت و افرادی که علیه پلیس و امنیت جامعه سلاح گرم و سرد به

کار می‌برند، طبق قوانین قضایی کشور به عدالت سپرده می‌شوند. وزیر خارجه هلند نیز در این گفت‌وگوی تلفنی ضمن اشاره به چهار قرن روابط مثبت و تاریخی میان ایران و هلند و همچنین گفت‌وگوهای سازنده اخیر میان وزرای خارجه دو کشور در حاشیه هفتاد و هفتمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک، ارتقای روابط کنسولی برای رفع مسائل مربوط به اتباع دو کشور را مورد تأکید قرار داد.

#### چرا آمریکا نمی‌تواند اتحاد منطقه‌ای علیه ایران ایجاد کند؟

# شکست ائتلاف‌های منطقه‌ای علیه قلب مقاومت



تمام گزاره‌های بالا در باب شکست ائتلاف‌سازی آمریکا در منطقه علیه ایران را خود مقامات آمریکایی هم به نوعی تأیید می‌کنند؛ به طور مثال چارلز دان ، مقام سابق کاخ سفید و کارشناس مسائل خاورمیانه، پیش از این گفته بود «ایالات متحده به مدت دو دهه تلاش کرده است یک اتحاد دفاعی یکپارچه در خلیج فارس ایجاد کند، اما بارها به دلیل تفاوت در جهان بینی اتحاد در منطقه خلیج فارس شکست خورده است»؛ البته این شکست باعث نمی‌شود دشمن از این راه بازگردد، مثلاً این جملات او را ببینید: «واشتگن در تلاش است تا زیرساخت‌های یکپارچه برای دفاع هوایی و دریایی در خاورمیانه ایجاد کند. ایده این طرح دوباره در زمان تشدید تنش‌ها مطرح می‌شود، زمانی که ایران بار دیگر متهم به ایجاد بی‌ثباتی با حمله به کشتی‌ها در آب‌های خلیج فارس می‌شود. کشورهای حوزه خلیج فارس به جای این‌که از بخشی از حاکمیت خود از طریق همکاری با همسایگان خود چشم‌پوشی کنند، همکاری دو جانبه با آمریکا را ترجیح می‌دهند.» بنابراین ایجاد یک اتحاد دفاعی جمعی در خلیج فارس تحت نظارت واشنگتن، یک چالش بزرگ برای ایالات متحده است به‌ویژه زمانی که خلیج فارس همچنان به نقش محوری در سیستم انرژی جهانی ادامه می‌دهد.

باتوجه به پیشروی دولت بایدن، در رقابت مداوم با چین و تا حدودی روسیه، کاخ سفید می‌خواهد متحدان خود در خلیج فارس را متقاعد کند که برای محافظت در برابر تهدیدات خارجی از حمله ایران، باید با آمریکا باشند نه چین و روسیه. از آنجا که در حال حاضر ستون فقرات ائتلاف دفاع هوایی است، واشنگتن هم تمامی سامانه‌های هشداردهنده و نظارتی مبتنی بر ماهواره را در اختیار بسیاری از متحدان خود در منطقه قرار می‌دهد تا به نوعی آنها را برای لزوم همراهی متقاعد کند. به طور مثال دیوید دی روش، یکی دیگر از مقامات سابق پنتاگون دراین باره مدعی شده بود: «شرکای ایالات متحده بارها مورد حمله موشکی و پهپادهای جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند که برخی از آنها توسط خودتهران و برخی دیگر توسط عوامل آن در منطقه‌ای مانند حوثی‌ها در یمن صورت گرفته است.» اما همین مقام پنتاگون هم این ائتلاف‌سازی را شکست خورده می‌داند، چون معتقد است: «اگر تلاش برای ایجاد این اتحاد مدت طولانی ادامه داشته، شکست خورده است، زیرا کشورهای منطقه به یکدیگر اعتماد ندارند و هرکدام ترجیح می‌دهند توانمندی‌های دفاعی را جداگانه و مستقل دریافت کنند.»

نمود، طبیعی است در چنین شرایطی، بیان این خواسته‌های سطح پایین نمی‌تواند در راس یک حرکت اجتماعی قرار گیرد و مشمول فراگیری شود و بدینی است جامعه هم با این بحث همراه نخواهد بود. با این وصف، برخی جریان‌های رادیکال و غربگرا برای این‌که خود را همسو با اغتشاشگران نشان دهند، تلاش کردند در بیانیه‌های خود با آنها پیوند برقرار کنند. وی با اشاره به محتوای برخی بیانیه‌های غربگرایان، تصریح کرد: دقت در محتوای این بیانیه‌ها نشان می‌دهد آقایان حتی حاضر شدند خودزنی کنند تا مقبولیتی در کف خیابان به دست بیاورند. به همین دلیل مواضعی اتخاذ کردند که گویی همه عملکرد خودشان را زیر سؤال برند تا بگویند جمهوری اسلامی هیچ دستاوردی نداشته‌است! این در حالی است که حتی در دوره مدیریت برخی جریان‌های رادیکال در کشور در مقاطع مختلف ما دستاوردهای مثبتی هم در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی داشتیم اما وقتی به بیانیه‌های آنها توجه می‌کنیم، انکار در طول دهه‌های گذشته هیچ نقطه مثبتی وجود ندارد. سلیمی‌نمین همچنین تصریح کرد: این سیاه‌نمایی برای فرصت طلبی در جهت پیوند خوردن با کسانی که در کف خیابان شعارهای ساختارشکنانه می‌دهند، هیچ آورده‌ای برای غربگرایان ندارد. به گفته‌وی، نه اغتشاشگران در داخل و خارج از کشور در رفتار آشوبگرانه خود موضعی اتخاذ کردند که شادی برای تمایل آنها به ارتباط و تعامل با جریان‌های رادیکال و غربگرای داخل کشور باشد و نه حاکمیت به‌واسطه آشوب‌های اخیر، میدان را برای نقش آفرینی آنها فراهم می‌کند.

عباس سلیمی‌نمین درباره رفتارشناسی برخی جریان‌های سیاسی رادیکال و غربگرا در جریان اغتشاشات اخیر گفت: فرصت طلبی و سهل‌طلبی دو آفتی است که جریان‌های سیاسی ما را تهدید می‌کند و نشانه بارز آن در آشوب‌های هفته‌های اخیر جلوه کرده‌است.

وی ادامه داد: برخی جریان‌های سیاسی به‌ویژه رادیکال‌ها و غربگرایان در حالی تلاش می‌کنند از فرصت آشوب‌ها به نفع خود استفاده کنند که در جریان اغتشاشات اخیر به هیچ‌وجه نام و نشانی از آنها نه در میان اغتشاشگران و نه در میان نیروهای معترض یافت نمی‌شود. این کارشناس مسائل سیاسی با بیان این‌که غربگرایان می‌خواهند از آشوب‌های اخیر به نفع خود و تقویت پایگاه اجتماعی و سیاسی خود سوءاستفاده کنند، تصریح کرد: این رفتارها به هیچ وجه پسندیده نیست، چون اگر نیروهای سیاسی قرار باشد در چنین شرایطی برای اثبات خود تلاش کنند، منطقی‌ترین روش این است که معترضان و اغتشاشگران را به علانیت دعوت کنند. زیرا جامعه زمانی آرامش و امنیت خواهدیافت که علانیت حاکم شود و آن موقع است که جامعه مدیون آن جریانی خواهدبود که دعوت به علانیت می‌کند. سلیمی‌نمین توضیح داد: وقتی جامعه روی آرامش به خودگرفت، آن وقت است که امکان طرح خواسته‌ها و مطالبات و حتی بیان اعتراضات فراهم می‌شود و بخش زیادی از افراد با آن همراه خواهندشد و این مطالبه تبدیل به صدایی رسا می‌شود که حتماً از سوی حاکمیت هم شنیده خواهد شد، مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران با بیان این‌که در آشوب‌های اخیر ما با خواسته‌هایی مواجه شدیم که بسیار کم‌مایه بود، خاطرنشان کرد: بسیاری از اغتشاشگران موضوعات را مطرح می‌کردند که بهره‌ای از منطق نداشت و مطالبی عنوان می‌شد که از سطوح نازل فراتر نمی‌رفت و طبعاً از منطقی هم برخوردار